

حوزه علمیه قم

سابقه تاریخی شهر قم - قدیمترین دانشگاههای
اسلامی - حوزه علمیه نجف - تأسیس حوزه
علمیه قم ، دوره های تحصیلی ، آنها که
در حوزه مانده اند ؛ تفکر آزاد ، مطالعات
خارج از برنامه ، رشته های تخصصی ؛ برنامه
و تشکیلات حوزه ، محل درس ، بودجه
تحصیل .

سابقه تاریخی قم

شهری را که امروز بنام قم می نامیم در زمان طلوع اسلام بصورت هفت
قلعه یاد هکده مجاور هم بوده که بضه یه می می و چند ده هکده دور و نزدیک دیگر
مجموع سرزمین قم و نواحی آن را تشکیل میداده و از توابع ساوه با اصفهان
محسوب می شده است .

پس از فتح اسلامی نیز ، مدتی این سرزمین بهمین وضعیت باقی بوده ، تا
در سنه ۷۳ اعراب مسلمان اشعری باین سر زمین روی آورده و در قسمت
مرکزی هفت قلعه « فرابه » مسکن گزیدند ، باز هم این ناحیه تابع
حکومت اصفهان بود ، و بالاخره در سال ۱۸۹ زمان هارون الرشید ، عنوان

شهر و ایالت مستقلی بخود گرفت ، چیزی نگذشت که حضرت معصومه سلام الله علیها برای دیدار برادر بزرگوارش حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) از مدینه بطرف خراسان حرکت کرد، (سال ۲۰۱) تابشهر ساوه رسید و کسالتی بروی عارض گردید ، از سرزمین قم سراغ گرفت ، گویا قم هنوز در مسیر جاده اصلی کاروان رون بوده و شهر ساوه سابقه بیشتر و موقعیت مهمتری را داشته است.

ایشان را بطرف قم حرکت دادند ، موسی بن خزر ج فرزند سعد بن عبدالله اشعری ، با تمام شخصیت و عنوانی که داشت ؛ با استقبال میرود ، و با کمال خضوع مهار ناقه را گرفته و بمثل خود میآورد ، ۱۷ روز بعد حضرت معصومه علیها سلام بدرود حیات می گوید ، و در زمینهای «بابلان» که ملک موسی بن خزر ج بود مدفون میشود .

اولین ساختمان بصورت يك پوشش حصیری ساده برفراز قبر آنحضرت نباشد، که بالاخره پس از ادوار مختلفی که بر این دستگاہ گذشت بصورت کنونی در آمده است .

علویین در فشار حکومت بنی عباس و اصرار یکه دستگاہ جابرانه حکومت، برای متلاشی کردن آنان داشت ، بگوشه و کنار رومیآوردند، ایران بملاحظه علاقه ای که مردمش باین خاندان داشتند و بالاخص قم که بزرگانی از شیعیان در آنجا اجتماع کرده بودند ؛ پناهگساة خوبی برای این خاندان «عش آل محمد» میشود.

هجوم افراد این خاندان پاك باین سرزمین، بعدی بوده که

اکنون قبر حدود چهار صد اما مزاده بار اسطه و بی واسطه در این شهرستان موجود است .

در طول دو ازده قرن اخیر ، بزرگان ، از رواة و محدثین و فقهاء از قبیل صدوقین (۳۲۹ و ۳۸۱) زکریا بن آدم ، ابن قولوبه ، علی بن ابراهیم ، ابن شاذان و صدهاروی و فقیه و مفسر دیگر از این قمیین برخاسته اند (۱) از چهار قرن قبل ، زمان دولت صفویه ، قم بیشتر مورد توجه واقع شد ، و رونق شیعه و دانشمندان شان در این شهر و بفزونی گذارد و در اول سده سیزدهم وجود عالم جلیل میرزا ابوالقاسم قمی (صاحب قوانین) به اجتماع علماء و فضلاء کمک کرد ، ولی رفته رفته وضع علمی باز هم بقهتر ابرگشت و در هر حال هیچگاه آن هیجان فوق العاده و شور و بحث و علم بطور رسمی در قم وجود نداشت ، از طرفی روایات هم این پیش بینی را میکرد ، که سرانجام قم مرکز بخش انوار الهی و روحانی بسا یر نقاط خواهد بود ، این پیش بینی چهل سال قبل بدست توانای آیه الله حاج شیخ عبدالحکریم حائری یزدی جامعه عمل بخود گرفت ، و حوزه وسیع هتدسه علمیه - بشرحیکه خواهیم دید - در قم تأسیس شد .

قدیمیترین دانشگاههای اسلامی

چنانکه میدانیم ، اسلام بنام دین علم و تفکر پدید آمد ، و از همان قرن اول سخن از علم و بحث و تألیف و تدریس گفته میشد ، و مخصوصاً

۱ - برای اطلاع بیشتر بر سابقه قم بکتابهای «راهنمای قم» و «تاریخ قم» و «رجال قم» مراجعه فرمائید

از قرن دوم که بطور رسمی ، محافل علمی و حوزه های درس و تحقیق رونق گرفت .

بطوریکه مساجد معظمی که در مراکز اسلامی ساخته میشد، مرکز تعلیم و تدریس هم بود.

از قدیمترین دانشگاهها، یکصد و شصت و سه سال پیش در سرزمینهای اسلامی تأسیس شده و تا کنون باقی مانده است ، یکی « دانشگاه قرویین » است که در شهر فاس، از شهرهای مراکش ساخته شده است ، مسجد قدیمش را ابتداء زنی بنام ام البنین فاطمة الفهریه در سال ۲۴۵ هجری بنا کرد، و چندی بعد بصورت مرکز علمی درآمد و تا کنون هزار سال از تأسیس این دانشگاه می گذرد و اکنون بالغ بر پنج هزار دانشجو از کشورهای مختلف افریقائی : طرابلس ، الجزایر ، تونس ، سودان، در آن تحصیل می کند، این دانشگاه هنوز سبک بحث علمی و مذهبی خود را حفظ کرده است ، (۱)

دیگر « جامع زیتونه » است که در سال ۱۴۱ این مسجد بدست « عبدالله بن حباب » در تونس بنا شد ، و از همان اول مرکز تعلیم هم بود ، و بزرگانی از قبیل « ابن خلدون » « ابن عبدالسلام » « ابن عرفه » و غیره را در خود پرورش داده . (۲)

از همه مهمتر « دانشگاه الازهر » در مصر است که بدست شیعه های فاطمی در ۳۶۱ تأسیس و از ۳۷۸ تدریس علوم اسلامی بطور رسمی در آنجا شروع شد ، و این دانشگاه در طول هزار سال موقعیت

۱- النهج - شماره ۲۰ - جامعة لقرویین .

۲- مجلة العالم - شماره شعبان ۱۳۸۰ - جامع الزیتونه .

وارزش خود را حفظ کرد و رفته رفته تا آنجا ترقی کرد که جمع محصلین سال گذشته آن ۳۶۷۹۸ نفر بوده است (۱)

حوزه علمیه نجف

در جوار بارگاه مقدس حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) ، حوزه مقدس و با عظمتی، قرن‌ها تأسیس شده است که لایزال مفاخر عالم تشیع و نوابغ فقها و علماء و دانشمندان از این مرکز نورانی و پر برکت برخاسته‌اند.

اولین دفعه این حوزه، بدست با کفایت علامه بزرگوار « شیخ الطائفة الامامیه ، شیخ طوسی » در سنه ۴۸۸ تأسیس گردید ، این شخصیت عظیم عالم اسلام ؛ پس از آن که در بغداد خانه کتابخانه اش را طعمه آتش قرار دادند ، باین سرزمین روی آورد و حوزه را تأسیس کرد و ۱۲ سال تمام بنشر فضائل و تعلیم مشغول بود .

پس از وی شاگردان عالی قدرش حوزه علمیه را حفظ کرده و توسعه دادند تا بالاخره در زمان « علی بن حمزه بن محمد بن مهزیار » این مرکز علمی رونق بیشتری پیدا کرد ، و در زمانی که فقیه بزرگوار ، « محقق » در « حله » سکنی گزید ، طلاب بدان سوی رو آوردند ، ولی سرانجام در زمان مرحوم « مقدس اردبیلی » حوزه نجف بخوبی مورد توجه جهان تشیع قرار گرفت و از اقصی نقاط برای کسب فضائل بآن سامان متوجه شدند و همانطوریکه ملاحظه می کنیم این حوزه نه صدساله ، باموقعیت درخشان ، و فروغ

۱- مجله اسلامیکی ری و یو چاپ لندن.

جاودانی خود بعنوان یک مرکز بزرگ علمی شیعه باقی است . (۱)

در این بخش نظر ما این نبود که تمام دانشگاههای اسلامی سابقه دار را تشریح کنیم، (۲) فقط بمناسبت خواستیم بدو سه مرکز علمی اسلامی بزرگ که قرنها بر جای مانده است اشاره کرده و باصل مقصد بپردازیم :

تأسیس حوزه علمیه قم

آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، فرزند مرحوم آقا محمد جعفر مهرجردی یزدی در سال ۱۲۷۶ در قریه مهرجرد یزد متولد گردید و پس از تکمیل مقدمات و سطوح در شهر یزد، بصوب عتبات عالیات عزیمت نمود، و در مراکز علمی سامرا و نجف از اساتید بزرگ همچون آیه الله میرزا محمد حسن شیرازی و آیه الله سید محمد فشارکی و آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی بتحصیل علوم اسلامی پرداخت و از دانشمندان برجسته آن سامان بشمار آمد. و مدتی هم در زمان مرحوم آیه الله خراسانی در کربلا حوزه تدریس دائر فرمود تا بالاخره بدعوت علمای اراک در سال ۱۳۳۲ قمری وارد این شهرستان شد و بتدریس و تعلیم معارف اسلامی همت گماشت.

پس از ۹ سال اقامت در این شهر برای تحویل نوروز ۱۳۰۱ شمسی بقم عزیمت فرموده، و در همین سفر بود که در اثراصرار و تقاضای علما و بزرگان و سایر طبقات، و مساعدت استخاره مجبور بتوقف گردیدند.

از این پس حوزه باعظمت قم تشکیل شد؛ و فضلا و دانشمندان از

(۱) تاملکه امل الاملی (مخطوط) ۲- رساله می در این موضوع در آینده منتشر میشود.

اطراف و اکناف برای کسب علوم اسلامی بدین شهر روی آوردند .
 آیه الله حائری پس از ۱۵ سال اقامت در قم ؛ دارفانی را بدرود
 گفت (۱۳۵۵) ولی ابن یادگار عظیم و خدمت برجسته تاریخ علمی شیعه
 برای همیشه بنام نامی وی ثبت شد.

پس از مرحوم آیه الله حائری ، سه تن از استوانه های فضیلت :
 آیه الله حجت ، آیه الله صدر ، آیه الله خوانساری ، بحفظ و اداره حوزه
 با تشریک مساعی ، هم و همکاری سایر بزرگان پرداختند . تا سرانجام پس از ۹
 سال با صبر و تقاضای این شخصیت های بزرگ و سایر دانشمندان و فضلاء
 بشرحیکه سابقاً دیدیم - حضرت آیه الله بروجردی وارد این شهر شدند .
 و مدت ۱۶ سال ، زعامت و کفالت این حوزه مقدسه بعهده ایشان بود .
 و چنانکه خواهیم دید این حوزه جوان که پیش از چهل سال از سنش نمیکشود
 باوج ترقی و عظمت خود رسید .
 از این بیعت تا حدودیکه در حوصله این مقاله باشد ؛ بشرح خصوصیات
 حوزه های علمیه و بالاخص حوزه علمیه قم می پردازیم :

کتابخانه مدرسه فیضیه قم دوره های تحصیلی

بطور کلی در حوزه های علمیه ، هدف تحصیلات ، اطلاعات عمیق مذهبی
 و بالاخص فقهی است ؛ و چون مدارک مطالب دینی قرآن و روایات و کتب
 تفسیر و متون فقهی و اصولی است و تمام این کتب بزبان عربی است ، طبعاً
 باید ابتدا ، ادبیات عربی را از نظر صرف و نحو و لغت ، معانی ، بیان ، بدیع
 تکمیل کرد .

در این دوره که حاصل ادبیات رافرا میگیرد؛ مناطق و کمی بحثهای کلامی و همچنین بکدوره فقه سا ده رانیز میآموزد - این دوره مقدمات است که در حدود چهار سال طول میکشد .

دوره دوم دوره سطح است ، از این ببعده و ادر رسمی ، تنهافقه و اصول است و اغلب فلسفه اسلامی هم ضمیمه میشود .

در این دوره ، اصول را بطور مسبوط از نظر اطلاع ، روش استدلال فقهی و طریقه استنباط احکام فرامیگیرند . و فقه هم نیز رنگ استدلال بخود می گیرد ، در این دوره چند کتاب فقهی و اصولی معین که از بین کتابهای گذشتگان انتخاب شده است ، با ترتیب خاصی ، ضمن پنج سال تقریباً ، تحصیل میشود .

آخرین دوره دوره خارج است که در واقع باید آنرا دوره عالی و دوره تحقیق و تفکر آزاد دانست ، در این دوره ، استاد درس خود را از روی کتاب معینی نمیدهد و حاصل هم موقع درس گرفتن ، جزبک جزوه یادداشت ، چیز دیگری باخود ندارد .

بحث در محور اصول و دیگری فقه انجام میشود . استاد اصول ، بترتیب از اولین مباحث اصولی یکی یکی را عنوان کرده و درباره هر یک آنچه نظریه بارزش در طول تاریخ چند صدساله اصول بیان شده ، و بطرز استدلال هر یک از نظریه ها اشاره می کند و نقاط ضعف و اشکال آنرا روشن مینماید ، و بالاخره یکی از آنها را انتخاب کرده و توجیه می کند ، و احياناً خود نظریه تازه می ابراز می دارد ، بکدوره کامل خارج اصول ،

بطور متوسط شش سال طول می کشد .

دردرس خارج فقه ، استادیکی از ابواب فقه را انتخاب کرده و موضوع درس خود در یک یا چند سال قرار میدهد ، در این درس بترتیب یکی از فروع فقهی عنوان شده و تمام آنچه را که ممکن است ، از آن در درک و استنباط این حکم ، استفاده کرد ، مورد بررسی قرار میدهد : قرآن ، روایات ، فتاوی مشهور بین علماء و بالاخره عقل تا حدیکه بتوان از آن استفاده کرد مطرح است در این مباحث علاوه از اصول فقه ؛ لغت و ادبیات ، تفسیر و احیاناً تاریخ و علاوه رجال و درایة مورد استفاده است .

بعضی از فقهی را میتوان عالیترین جولانگاه تحقیق حوزه های علمیه دانست ، و همانطور که گفتیم ، کتاب معینی مطرح نیست ، ولی اسناد و محصل برای تنظیم و بررسی مطالب یک درس بچندین کتاب فقهی و روای و احیاناً اصولی و ادبی باید مراجعه کنند ، و سیر هجوم طلاب بکتابخانه های عمومی حوزه همین است ، که برای هر درسی ، کتابهای زیادی مورد احتیاج است و همگان از عهده تهیه آنها بر نمی آیند و باید از کتابخانه ها استفاده کنند .

و از طرفی معلوم میشود ، که چگونه با دوسه ماهه درسی فقط ، باز هم مقدار زیادی وقت اشغال میشود ، چه برای هر درسی علاوه از وقتیکه برای درس گرفتن صرف میشود ، حداقل دو ساعت هم برای مراجعه بکتاب مختلف و تنظیم و یادداشت بحث استاد میگردد .

برای دیدن یک دوره کامل خارج فقه ، نمی توان سالهای محدودی را تعیین کرد ، چه ، با در نظر گرفتن وسعت بحث و تنوع کتب و ابواب

فقهی تحقیق در یک دوره فقه فرصت زیادی میخواهد. و حتی محصل اگر روزی دودرس فقه هم بخواند، تازه پس از شش سال که یک دوره خارج اصول را گذرانده، موفق شده است؛ فقط شش هفت کتاب فقهی را ببیند ولی حق مطلب در آن است، که سبک بحث و تحقیق در کتب مختلف فقهی، تقریباً یکی است. و اگر محصلی چند کتاب فقهی را عمیق و محققانه تحصیل کند، دیگر میتواند امیدوار بود، که در سایر ابواب بدون استاد، فقط بکمک مطالعه و بحث صاحب نظر شود.

آنها که در حوزه مانده اند

اینکه معروف است درس آخر ندارد. جهتش آن است، که اگر کسی بخواهد کلیه ابواب و مباحث فقه را از محضر اساتید فرا گیرد، بخوبی باید یک عمر کامل را مصرف کند؛ و لذا پایان ندارد، ولی اگر بخواهد در طریق استنباط و فهم احکام روشن شود، و راه رایابد، با گذراندن چند سال دوره عالی، بشرط استعداد و پشتکار میتواند، و ممکن است. بدنبال مأموریت و انجام وظیفه، در یکی از شهرستانها و قصبات برود، و ضمن تبلیغات و خدمات دینی خود، مقداری هم وقت صرف مطالعه و استنباط احکام کند؛ و لذا آنها که باین بهانه سالها در حوزه مانده اند، که درس میخوانیم و درس آخر ندارد، باید در وضعیتشان مطالعه کرد، یکمده هستند که پس از دوران تحصیل؛ کار خود را تدریس و استادی انتخاب کرده اند و در هر شبانروز چندین ساعت وقت خود را صرف مطالعه و تدریس شاگردان میکنند؛ در مورد این آقایان باید گفت

کتابخانه مبارکه مدرسه یبویه قم

که یکی از عالیترین خدمات علمی و مذهبی را بهمده گرفته و شعاع فعالیت و خدمتشان باندازه شعاع فعالیتی که تمام محصلین در آینده پیدا میکنند توسعه دارد، جمعی دیگری هم اگر درس نمیگویند ولی اهل فکر و مطالعه و تحقیق هستند، و در عالم مختلف اسلامی جدا مشغول تبع و تألیفند، از آنان نیز باید هزاران تشکر کرد که بعالم علم اسلامی خدمت میکنند، در این بین جمع دیگری هم هستند، که چون از اجتماع ریمیده اند، و با در اثر روحیه خاص خودشان و احیاناً کم اطلاعی، اهل فعالیت و خدمات پر زحمت تبلیغی و دینی نیستند، از شر اجتماع بگوشه امن حوزه ها پناه آورده اند؛ اما در مقابل مسئولیت شرعی و اجتماعی خود چه میگویند؟ نمیدانم.

فکر آزاد

سبک تدریس در حوزه، طوری است، که ساعت درس، در واقع ساعت بحث و انتقاد است. همه کس آزادانه سؤال میکند. مجبور پذیرفتن مطلب استاد نیست، استاد هم بخوبی اشکالات را مورد بررسی قرار میدهد. از طرفی پس از درس گرفتن، باید درس خود را با هم، مباحثه کنند و در این بحث، ضمن اینکه فکرو بیان ورزیده میشود، همه گونه نظر و قضاوت آزاد هم میکنند.

در دروس عالی، درس را که از استاد شنیدند، بعدها بسلیقه خودشان تنظیم و یادداشت میکنند، و این خود بضبط و اعمال سلیقه و شخصیت دادن شاگرد میافزاید، برخلاف محیطهایی که کلمه بکلمه بشاگردان جزوه میگویند، که روح تقلید را تقویت و بکوباندن شخصیت کمک میکند.

اطلاعات خارج از برنامه

بطوریکه گفتیم، درس رسمی حوزه ها، ابتداءاً، ادبیات، منطق و بالاخره فقه و اصول و احیاناً فلسفه است.

اما سایر علوم اسلامی بطور رسمی جزء برنامه نیست، ولی از نظر اینکه شرائط یک روحانی ایجاب میکند که اطلاعات متنوع دینی داشته باشد، هر محصل بطور متوسط شبانروزی دو ساعت هم به اطلاعات خارج از برنامه میپردازد.

تاریخ، تفسیر، اصول عقاید، اخلاق و غیره، با آنکه جزء برنامه نیست، ولی اطلاعات یک دانشجوی دینی در این موارد بعدی است که کسیکه از برنامه درسی اطلاع نداشته باشد، تصور میکند این مواد هم جزء برنامه بوده است. ولی در عین حال نمیتوان باین قانع شد و جای این سؤال باقی است که این علوم با آنکه صد درصد دینی است چرا بطور رسمی تدریس نمیشود؟

ممکن است گفته شود، حوزه های علمی، فقیه پرور است، جواب میگوئیم که اگر حوزه های دیگری برای تحقیق در سایر علوم اسلامی وجود داشت، بحثی نبود، اما فرض اینست که بسیاری از مباحث دینی، بعنوان تحقیق و تتبع عمیق در هیچ حوزه ای بطور رسمی مطرح نیست، و بنابراین بنظر میرسد، که مسؤلیت کلیه رشته های مختلف علوم و فنون مذهبی بعد از حوزه های روحانی باشد، و این حوزه ها علاوه از فقیه، باید تکلم، موعظه، مفسر، فیلسوف و... پرورش دهند.

باز هم اشتباه نشود. ما نمی‌گوییم: این تحقیقات در حوزه نیست چه، همه می‌بینند که عمیقترین فلسفه و تفسیر را حوزه قم دارد، ولی نظر ما این است که باید این بحثها رسمی و جزء برنامه باشد، تا بدامنّه عمق و بی‌شروی خود را داده‌اند.

رشته‌های تخصصی

حالا که علوم اسلامی متنوع و دامنه دار است و مسئولیت همه هم به‌ماده حوزه‌های علمیّه، جای این صحبت هست که گفته شود، خوب است پس از آنکه محصلین را با اطلاعات عمومی دینی آشنا کردند، و یکدوره کامل و در عین حال فشرده فقه و اصول استدلالی تکامل یافته، بآنها تعلیم نمودند، هر دسته را در رشته ای که ذوق تخصصی دارند بیا نوازند، و برای هر یک از رشته‌های فقه و تفسیر و تاریخ و کلام و... و حتی رشته‌های مختلف اصول عقاید کسانی را به‌منو آن متخصص تربیت میکنند، تا هم زحمت و مسئولیت همه، کمتر شود، و در عین حال عمق و تخصص بیشتر، و حتی در مورد کتابهای مختلف فقهی ممکن است این طرح اجرا شود، که مثلاً یک‌دسته در معاملات متبحر شوند و دسته دیگر در عبادات، و دیگران در مسائل حقوقی و قضائی... بالاخره جمعی هم برای خطابه و منبر آماده شده؛ و دسته دیگری هم برای اعزام بخارج...

برنامه و تشکیلات حوزه

چنانکه گفتیم عملاً برنامه خاصی از نظر مواد تحصیلی و کتب درسی در حوزه وجود دارد.

بدین معنی که از مقدمات تا آخر سطح کتابهای معینی که از عمر بعض آنها چندین قرن گذشته است، باید خوانده شود. بحث درباره خود کتابها احتیاج بفصل جداگانه نمی دارد، که آیا ممکن است در بعض کتب تجدید نظر کرده و سبک تعلیم را بروش بهتری در آورد، یا خیر؟ و در هر حال این هست، که مجموع برنامه ها در هر رشته عمق و ورزیدگی خوبی ایجاد میکند، گرچه فنی و همه جانبه نیست، و از طرفی ممکن است راه نزدیکتر و روشنتری هم وجود داشته باشد.

در هر حال عملاً نظم خاصی وجود دارد، ولی اینطور نیست که این ترتیب، ضمانت اجرایی داشته باشد، یعنی اگر کسی نخوast کتابی را بخواند مختار است، امتحان در کار نیست. مگر در موارد خاصی - در این برنامه مسؤلیتی برای حفظ و یاد گرفتن درس، حضور در درس، بودن در حوزة پیش بینی نشده است.

ولی عجیب این است که در عین آن که هیچیک از این مراحل الزامی نیست، در عین حال، روی مرفته از محیط فرهنگ و دانش گاه، بیشتر و بهتر درس خوانده میشود، نگارنده خود در گذشته با آن محیطها سرو کار داشته است و ملاحظه کرد که چگونه با آنکه حضور و غیاب بشدت در کار بود، بعد لك محصل گاهی بانحاء و وسائل از حضور در کلاس خودداری می نمود، یا مثلاً حفظ دروس را برای نزدیکیهای امتحان می گذارد، آنهم همان قسمتهایی را که ممکن است برای امتحان مفید باشد، با عجله و سوسری فرامیگیرد و یا اصلاح جریان امتحان را بنده و

دیگری می‌گذراند، و در هر حال چند روز پس از امتحان، تقریباً همه چیز را فراموش می‌کرد، در این نوع تحصیل، هدف قبول شدن و مدرک گرفتن است نه علم و اطلاع.

اماد در حوزه‌ها مدرکی در کار نیست و ضمانتی هم نمی‌کنند که پس از پایان تحصیلی به‌محصل کاری واکذار کنند، لذا اگر بیاید، اغلب از نظر علاقه بعلم و دانش ویاد گرفتن معارف دینی است، و لذا می‌کوشد که اطلاعات بیشتری پیدا کند، اگر بساعت درس نرسد خود را مقبوض میداند، و اگر درسی را نفهمید در خود سرشکستگی احساس میکند.

و مدتی را که در حوزه نبوده، کم‌شده می‌دارد، جلسات بدون حضور و غیاب خیلی گرم و پر شور است، و محصل بدون اینکه بنا باشد امتحانی بدهد، چند ساعت شب را به مطالعه و روز را بدرس و بحث می‌گذراند.

تا اینجانب نتیجه گرفتیم که حوزه‌های علمی، عوض همه تشکیلات و برنامه‌ها و مقررات، فقط یک چیز دارند، و آن روح علم دوستی و علاقه جدی به تحصیل، البته این سرمایه خیلی باارزشی است که باید حفظ شود، ولی در عین حال نمیتوان بابی تشکیلاتی هم قانع شد و این خود به بحث مستقلی می‌خواهد که چه میشد اگر مقرراتی بود که:

شخص را در چه شرائط و با چه سوابق و اطلاعاتی بعنوان محصل

پذیرند؟

هر سال لااقل چه مقدار باید درس بخواند.

چه سالی را میتوان پایان تحصیل دانست.

بچه سند مردمیکه خود اهل اطلاع نیستند میتوانند درجه علمی

محصل را بشناسند ؟

مسئولیت و بر نامه آینده وی چیست ؟

بالاخره ، چه میشد ، اگر طبق مقررات صحیح ، مراتب تحصیل

معین - حدود محفوظ - آینده روشن - و مسئولیت هم معلوم بود ؟

محل درسی

در شهریکه حوزه علمیه تشکیل میشود ، سه ولایک یا چند مدرسه

وجود دارد ، که برای سکنی طلاب تهیه شده است ، و اغلب از محوطه

وسعیکه به عنوان مسجد یا سالن کتابخانه ؛ یا ایوان وجود دارد ، برای

محل تدریس استفاده میکنند . و گاهی از محوطه های خارج از مدرسه -

ها مثل مساجد و سایر اماکن مذهبی بدین منظور استفاده میشود .

البته این نشان یک نوع سادگی و بی تشریفاتی است که خود لطفی

دارد ، ولی نمیتوان منکر شد ، که باید در فکر بهتری بود ، مثلاً در دوسه

نقطه شهر ، ساختمانیکه مشتمل بر چند سالن آبرومند بهداشتی کوچک و بزرگ

باشد ، با تجهیزات کافی برای محل تدریس تهیه ریده شود .

و همچنین در باره محل سکونت طلاب هم باید گفت که اغلب

مدارس ، همان ساختمانهای باستانی است ، و بدرد زندگی صحیح نمی -

خورد ؛ چه خوب بود ، با بهترین نقشه ، مدرسه های زیبا و مجهز و منظم

ساخته میشد .

گفته نشود که بودجه نداریم ، چه جواب میدهیم ، مردم اگر

احساس کنند که حوزه ها موصوم برای بوجود آوردن چنین جایگاههایی هستند

قطعاً همکاری و کمک میکنند، و فقط يك تهور میخواهد که کسی دست با اقدام شود، تا این مشکل هم حل شود، شما خود شاهدید که همت و الای آیه الله برو جردی قدس سره، احساس کرد که مسجد آب و مند و عظیمی در شهر ستان قم لازم است، با همت بلند و پشتکار اقدام کرد و مردم هم میلیونها تومان ببرکت این اقدام کمک کردند، و پایگاه عظیمی برای عبادت و تبلیغات بوجود آمد، و همچنین در مورد مدارس آبرو مندی که در قم و نجف و کرمانشاه و غیره ایشان و با سایر بزرگان تأسیس فرمودند. اینها خود شهادت است که اگر احساس کنیم که لازم است اقدام کنیم، بلطف و تأیید پروردگار حل میشود.

بودجه تحصیل

بودجه ساختمان و حفظ مدارس و اداره زندگی اساتید و پیشوایان دینی شهر ستانها و کمک هزینه مختصر طلاب، اغلب از طریق سهم امام علیه السلام تأمین میشود.

سهم امام نصف مبلغی است که بعنوان خمس مال جدا میشود. مردم مسلمان، منافعی که از طریق کسب و غیره دارند، در مخارج خود صرف میکنند و پس از بر گذاری مخارج، از آنچه را که زیاد آورده اند، پنج يك آنرا، طبق دستور قطعی اسلام جدا کرده و نصف آنرا، در اختیار مجتهد میگذارند، تا وی در مصرف خدمات علمی و تبلیغی دینی مصرف کند.

این بودجه را بزور از مردم نمیگیرند، هیچگونه تحمیلی هم بر آنها نیست، چه، گفتیم بعد از هر گونه مخارج اگر چیزی از منافع زیاد آمد

، خمسش اخراج میشود ، آنها که عقیده دینی محکمی دارند با طیب خاطر و بقصد قربت این پول را می پردازند .

و با در نظر گرفتن وسعت تشکیلات روحانی و احتیاج مبرم و روز افزونی که حوزه های علمی بیودجه های مکفی دارند، باید بمردم فهماند که در پرداخت وجوه ، و اداء دین مسلم خود کوتاهی نکنند ، و اگر میل دارند، دامنه فعالیت های عامی و تبلیغی در داخل و خارج کشور وسیعتر گردد، با انجام وظیفه دینی خود ، بدین منظور کمک کنند .

البته این انتظار می رود که اگر اعلام و بزرگان حوزه ها احساس کنند که بودجه ای را که مردم می پردازند ، کم کم رو با افزایش گذاشته است ، برای کلیه وجوه ، صندوق واحدی را در نظر گرفته و با حساب دقیق احتیاجاتی را که از جهات مختلف : حفظ و ساختمان مدرسه و محل تدریس ، اعزام مبلغ بخارج و داخل ، اداره زندگی اساتید و محصلین ، چاپ و نشر انتشارات مهم مذهبی ، بوجود آوردن بایگهای وسیع تبلیغی ، و غیره وجود دارد ، تنظیم میکنند ، و مجموع وجوه رسیده را توسط یک هیئت کاردان ولایق ، بطور متعادل و با وضع آبرومندی بمصارف مختلف میرسانند .

ما برای این مقاله مطالب بسیاری را در نظر گرفته بودیم که متأسفانه صفحات پیش بینی شده برای درج همه آنها کافی نبود و لذا خیلی فشرده و ناقص این بحث را بر گزار کردیم تا مگر در آینده موفق گردیم کتاب مستقلی در پیرامون حوزه و روحانیت تهیه کنیم .